



حلب

ویرانه ای که "آزاد" می شود!

ناله حاج مومنی

در جنگ سوریه امروز بیش از مدت زمان کوتاه، از یک طرف هر زمانی موقعیت آمریکا و متحدین منطقه ای و محلی آنها تضعیف شده است. اعلام نگرانی های اسرائیل، تلاشهای عربستان و قطر و...، و تلاش دولت امریکا برای اعلام آتش بس در سوریه و همزمان ادامه جنگ و بمباران در موصل و تلاش برای تعیین تکلیف آن در

جنگ در حلب ادامه دارد. دولت اسد با همکاری روسیه و ایران تلاش میکند به پیشروی خود در این شهر ادامه دهد و حلب را تماما از دست مخالفان خود خارج کند. با تسخیر حلب توسط دولت سوریه عقب نشینی جدی دیگری به نیروهای اپوزیسیون هم پیمان آمریکا و متحدینش تحمیل میشود و نه تنها موقعیت دولت بشار اسد در سوریه تحکیم می یابد، بلکه و بعلاوه موقعیت روسیه و ایران نیز در خاورمیانه در مقابل رقبایشان بهتر میشود.

جنگ در حلب نه جنگ داخلی میان دولت بشار اسد و "نیروهای اپوزیسیون" او و نه جنگی بر سر آزاد کردن آن است. جنگ در حلب مانند "عملیات آزاد سازی موصل" جنگی است بر سر موقعیت دول ارتجاع امپریالیستی و متحدین مرتجع منطقه ای آنها. اصرار روسیه، ایران، اسد و متحدینش بر "آزاد کردن" حلب و تثبیت موقعیت اسد در سوریه و نگرانی عربستان و قطر و اسرائیل این واقعیت را نشان میدهد.

حکمتیست ۱۴۱

۱۲ دسامبر ۲۰۱۶ - ۲۲ آذر ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

فراز و نشیب های ۱۶ آذر!

مظفر مومنی



۱۶ آذر همچون اول مه، ۸ مارس و دیگر مناسبت های تاریخی و تحولات اجتماعی دیگر، عرصه جدال گرایشات و جناح های مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی دولتی است.

۱۶ آذر ۹۵ هم مهر این گرایشات و جناح بندی های سیاسی را برخورد داشت. از طرفی سران رژیم از رئیس جمهور تا نایب رئیس مجلس و دیگر سخنگویان دولتی تلاش کردند تصویری از دانشگاه و محیط روشنفکری جامعه بدهند که در آن آزادی بیان هست و این بخش جامعه را همراه خود ولو منتقد، اما سیاهی لشکر جناحی خود قلمداد کنند. که بخشا در آن موفق شدند و به اهداف خود رسیدند. در این بخش اگر از انتقادات آبکی از دولت و مسایلی که در خود جناح های رژیم مطرح است بگذریم، بخشی از دانشجویان شرکت کننده در این مراسم و مناسک ها، کلیت رژیم را زیر سوال بردند. آن ها از سیاست ها و جنایات جمهوری اسلامی از جمله اشغال سفارت امریکا، ادامه جنگ بعد از بازپس گیری خرمشهر، کشتار جمعی دهه ۶۰، قتل های زنجیره ای، نقش جمهوری اسلامی در تخریب کامل شهر حلب و کشتار مردم ... حرف زدند.

طرح این مسایل با استفاده از تریبون های که به نمایندگان دولتی اختصاص یافته بود، هشیاری بخشی از شرکت کنندگان در مراسم های با حضور روحانی و مطهری و ... را نشان داد ...

صفحه ۲ ←

فصل تعیین حداقل

دستمزدها در ایران

مصطفی اسرپور



باید یک درد بی درمانی دامنگیر دولت و سیاست رسمی و سیاستمداران ایران شده باشد که هر سال با تشریفات تعیین دستمزد سالانه حداقل سه ماه را صرف میکنند تا علیه نیازها و توقعات طبقه کارگر داد سخن سر بدهند. در یک فستیوال برنامه ریزی شده یکی پس از دیگری از ارگانها و مقامات جلوی صحنه میایند و به ریش کارگر میخندند. باورش سخت است که در حول دو جمله "تأمین حداقل معاش خانواده چهار نفره" و "افزایش دستمزد به تناسب تورم" چگونه خوش طبعی در وجود محترم مسئولان حکومتی شکفته میشود. روبروی دوربین تلویزیون پا روی پا انداخته و در حالیکه غش و ریسه میروند از روش محاسبه نرخ تورم اسباب انبساط خاطر میسازند. روز چهاردهم اذر ماه فصل تعیین حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۹۶ رسماً آغاز شد: هر چند سید نیازهای پایه ای یک خانواده چهار نفره ۳ میلیون تومان است، و رقم تورم توسط بانک مرکزی برای اولین بار به زیر ده درصد رسیده است، افزایش دستمزدها برای سال آتی حوالی ده درصد خواهد بود!

تورم ده درصدی، بانک مرکزی و دستمزدهای پیشنهادی متناسب با نیازهای یک خانواده چهارنفره البته که جای خنده دارد، ... صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

فراز و نشیب های ۱۶ آذر ...

اما در بعد اجتماعی تر در میان فعالین دانشجویی هم تحرکاتی انجام شد که هر کدام به نوبه خود تاثیرات مثبت یا منفی خود را گذاشتند.

ابتدا بیانیه ای تحت نام "بیانیه فراگیر دانشجویان ایران" با استقبال بیش از ده هزار امضا کننده در مدیای مجازی روبرو شد. محتوا و مطالبات این بیانیه برای هر دانشجوی و انسان آزادیخواهی در جامعه قابل حمایت و مطلوب بود. اما متعاقبا بیانیه دومی به بهانه این که مجاهدین از بیانیه فراگیر حمایت کرده بود، منتشر شد. محتوای این بیانیه که به نظر می رسد آگاهانه در ضدیت با احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی تهیه شده بود، بطور قطع و کامل نمی توانست ادامه و مکمل بیانیه اول باشد.

بیانیه دوم اعلام می کند که، "آغازگران" بیانیه فراگیر دانشجویان ایران" و حمایت کنندگان آن هر گونه ارتباطی را با گروهک های تروریستی منافقین و دیگر گروه های خارج از کشور رد می کند. این گروه ها در این سال ها کاری جز ترور، ایجاد رعب و وحشت، فریب و خیانت به دانشجویان و کارگران در بیلان کاری خود نداشته و ندارند!...

این اعلام "استقلال" و برائت از احزاب سیاسی اپوزیسیون با ادبیات وزارت اطلاعات در واقع لجنی بود به روی بیانیه اول پرتاب شد و نقض کامل محتوا و مطالبات آن. نویسندگان بیانیه دوم مدعی اند که این اعلام موضع، متعلق به

"آغازگران و حمایت کنندگان بیانیه فراگیر" اول است. نفس این نشان می دهد که اینها با صدور بیانیه ای که کاملاً به ادبیات و موضوع وزارت اطلاعات شباهت دارد، نسبت به آن چند هزار نفری که بیانیه اول را امضا کرده اند، چه تقصیر و بی مسؤولیتی سنگینی مرتکب شده اند. چرا که امضاکنندگان بیانیه اول نه بخاطر شناختی که از به اصطلاح "آغازگران" این کار داشته یا در یک مجمع عمومی و تشکیلی به آنها رای داده، بلکه از محتوای موضوعی حمایت کرده اند که مورد قبولشان قرار گرفته است.

این عمل ارتجاعی، خواه آگاهانه و خواه با افتادن به دام اطلاعات رژیم، باعث تشدت و اغتشاش در صفوف دانشجویان امضا کننده و بی تاثیر کردن بیانیه اول شده است. به این اعتبار می شود گفت که این اعلام برائت از اپوزیسیون با همان کلام و ادبیات رژیم در ضدیت و علیه همه احزاب اپوزیسیون، نه تنها بیانیه اول را سوزاند، بلکه علامت سوال بزرگی بالای سر آن جمعیت بالغ بر ده هزار نفری امضا کنندگان بیانیه اول قرار داد. سوالی که خود آنها باید جواب بدهند.

اما همزمان در دانشگاه های کشور بخصوص دانشگاه تهران، علامه، امیر کبیر، شهید بهشتی و...، دانشجویان آزادیخواه در مراسم های مستقل و تظاهرات و تجمعات خود و با شعارهایی که حاوی مطالبات دانشجویی و محتوای آزادیخواهانه بود ابراز وجود کردند و مهر خود را بر ۱۶ آذر امسال کوبیدند.

تظاهرات و تجمع بالغ بر ۷۰۰ دانشجوی دانشگاه تهران یکی از این تجمعات پرشور انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه بود. شعار دانشگاه پادگان نیست بار دیگر جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب "دب" را تداعی کرد. تجربه ای که در تاریخ مبارزات دانشجویی و روشنفکری چپ و رادیکال ایران ثبت و حک شده و سنتی که راهنمای مبارزات دانشجویی ایران است.

بدون شک باید گفت که ۱۶ آذر ۹۵ و اجتماع و تظاهرات ۷۰۰ نفری دانشجویان با مطالبات خود، نقطه قدرت درخشان ۱۶ آذر امسال است. تجربه دیگری که نه تنها نمایش سران جمهوری اسلامی و تظاهر به حمایت از ۱۶ آذر را به سخره گرفت، بلکه بیانیه برائت جمعی از شبکه چند هزار نفری را هم چال کرد.

اما بدون تردید هنوز پتانسیل و قدرت جنبش و مبارزات دانشجویی در دانشگاه های ایران بسیار قوی تر و بالاتر از این است که امسال شاهدش بودیم. اگر حمایت ۱۱۰۰۰ نفره دانشجویان از بیانیه ای با مطالبات رادیکال تنها گوشه ای از این پتانسیل است، اما قدرتش در ابراز وجود مدیای مجازی نیست. بلکه قدرتش در حضور معین مانند تظاهرات و تجمع ۷۰۰ نفره و در سازمانیابی و اتحاد و تشکل است. شبکه دانشجویان در مدیای مجازی حول یک بیانیه، عملی موقتی و گذرا است. زمانی این نیرو مادیت پیدا می کند که پایش را روی زمین سفت دانشگاه ها قرار داده و در

محافل و شبکه های واقعی انسانی که همدیگر را می شناسند و در همفکری و همیاری و همبستگی با همدیگر، فضای دانشگاه را به نفع انسانیت و آزادی و ضدیت با تبعیض و ستم و شرایط ضد انسانی در دانشگاه ها تغییر می دهند. و با ایجاد صفی مستقل از دولت و جناح هایش و فارغ از هویت های قومی و مذهبی، مبشر آزادی و صدای آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاه ها و جامعه می گردند، نهادهای دانشجویی را به تصرف خود در می آورند و دانشجویان را حول حقوق جهانشمول انسان و آزادی و برابری و رفاه و امنیت در دانشگاه و جامعه متحد و متشکل می کنند. تبعیض جنسیتی را ممنوع، گرایشات قومی و مذهبی را منسوخ و پرچم آزادی و برابری را به پرچم توده های وسیعی از دانشجویان در دانشگاه ها تبدیل می کنند.

آزادی،

رفاه و

امنیت،

حق هر انسانی در یک

جامعه متمدن و

آزاد است.

این حق گرفته

است، دادنه نیست!

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

حلب، ویرانه ای که ...

فشار کشورهای عربستان و قطر و اسرائیل و... به غرب و در راس آنها به امریکا برای ادامه مقاومت و درخواست فشار بیشتر به دولت اسد و دفاع همه جانبه تر از نیروهای باقیمانده از "ارتش آزاد سوریه"، بیش از پیش ناکام و بی تاثیر شده است. اسرائیل نیز در این میان به تکاپو افتاده است و نه تنها در مورد حلب که در مورد تضعیف داعش اعلام نگرانی کرده است که این اتفاق باعث تضعیف موقعیت عربستان و... در مقابل ایران و اسد خواهد شد. سرانجام تلاش آمریکا و متحدین او و اتکا به قطعنامه سازمان ملل برای اعلام آتش بس و کمک به متحدین خود در مقابل اسد با وتوی چین و روسیه ناکام ماند. دولت اسد همراه با روسیه و ایران با علم به موفقیت های خود در سوریه تلاش می کنند عقب نشینی های هر چه بیشتری را به نیروهای متحد غرب تحمیل و موقعیت دولت سوریه را تحکیم بخشند. دولت سوریه اعلام کرده است در مدت کوتاهی و تا پایان دسامبر حلب را کاملاً آزاد خواهد کرد. سوریه و متحدینش در تلاشند با توجه به برتری که در جنگ با مخالفان خود کسب کرده اند به تعرض خود ادامه دهند.

آنچه مایه نفرت است، آمریکا و متحدین او در سوریه و مشخصاً در جنگ حلب، ریاکارانه پرچم دفاع از غیر نظامیان، مردم گرسنه و بی دفاع و حقوق بشر را بلند کرده اند. پرچمی که امروز بیش از هر زمانی دروغین بودن آن نزد سر به زیر ترین طرفداران

غرب رنگ باخته است. تبلیغات وسیع دولتهای غربی در جنگ حلب و خبر لحظه به لحظه هر موشکی که بر سر این شهر و مردم بی پناه توسط روسیه و همپیمانانش فرود می آید، بحث از کشتار مردم و محرومیت و آوارگی و خطر مرگ آنها و اعلام اینکه اینها جنایت جنگی است، و همزمان ممنوع کردن ورود هر خبرگزاری مستقلی به موصل و سانسور همه جانبه توحش و جنایتی که توسط آمریکا و همپیمانان او بر یک و نیم میلیون انسان اسیر در موصل اعمال میشود، چهره شنیع و دروغین آنها را نمایان میسازد.

حقیقت این است که طرفین این جدال چه دول غربی و متحدین دیروز و امروز شان و چه دولت سوریه و روسیه و ایران و... همگی، قرار است با نابودی کامل این دو شهر، با کشتار وسیع مردم در حلب و موصل، با محاصره و در بن بست گذاشتن میلیونها انسان در محاصره داعش، جبهه النصر، حشد الشعبی، ارتش عراق و سوریه و قتل عام آنها این دو شهر را "آزاد" کنند. حلب نمونه بارز یک توحش افسار گسیخته توسط روسیه و متحدین او و موصل توحشی به مراتب دهشتناکتر توسط آمریکا و همپیمانان او است. همه این جانیان با بیشمرمی تمام این کشتار را به نام "مبارزه با تروریسم" به بشریت حقنه میکنند. مردم سوریه و عراق در این جنگ قربانیان بی گناهی اند که قربانی جنگهایی میشوند که هیچیک از طرفین آن سر سوزنی در دفاع از آنها و برای نجات جان آنها به میدان نیامده اند. جنگ در سوریه جنگ دول امپریالیستی و

دولتهای مرتجع منطقه همراه با جریانات قومی و مذهبی از داعش گرفته تا جبهه النصر و القاعده و دهها گروه جنایتکار دیگر است. سوریه و عراق امروز مرکز تعیین تکلیف بالانس قدرت میان قطبهای تروریستی برای تامین منافع خود است و مردم در این میان تنها قربانیان بی گناه آند.

همه شواهد نشان میدهد شهر حلب به زودی توسط دولت سوریه تسخیر میشود. اما در دنیای واقعی حلب امروز ویرانه ای است که نه تنها مردم آن وسیعاً کشتار شده و خانه به دوش و آواره و بی پناهند، که کوچکترین آثاری از تمدن در آن باقی نمانده است. بهبود موقعیت اسد در سوریه و تضعیف موقعیت نیروهای طرفدار غرب در این کشور به معنای پایان توحش حاکم بر سوریه نیست. باقی ماندن اسد در مسند قدرت در آینده هر سیری را طی کند، قربانیان دخالتهای امپریالیستی در سوریه و در راس همه دخالت دولتهای غربی به بهانه و توجیه مبارزه با اسد تا هم اکنون صدها هزار کشته و حداقل ده میلیون آواره و نابودی یک جامعه شهری چون سوریه را به همراه داشته است. هنوز مردم سوریه سایه جنگ و ناامنی، سایه کشتار و توحش بیرحمانه و سایه مصائبی که جنگ دولتها و باندهای تروریست و آدم کش برای آنها بر جای خواهد گذاشت، حتی با فرض محال پایان جنگ نسلاً بر دوش میکشند.

مستقل از سرنوشت اسد، ادامه عوارض جنگ سوریه و عوارض کشتار وسیعی که به نام مبارزه با داعش به رهبری امریکا و زیر سکوت

و سانسور مهندسی شده میدیای نوکر در موصل در جریان است، آینده ناروشنی را در مقابل کل مردم محروم خاورمیانه قرار داده است. آینده نامعلومی که شواهد سیاهی آن در تلاش دولتهای مرتجع منطقه و دهها باند و گروه قومی و مذهبی برای شروع جنگ خودشان بعد از موصل از هم اکنون پدیدار است.

تحولات دوره اخیر خاورمیانه و جنگهای وسیعی که به بشریت در این منطقه تحمیل کردند، بار دیگر سیمای شنیع کل دولتهای بزرگ جهان و دولتهای منطقه در ضدیت با ابتدایی ترین معیارهای تمدن بشری را به نمایش گذاشت. چهره دول مرتجعی که زندگی صدها میلیون انسان در خاورمیانه را دچار وحشت و واهمه کرده است و عوارض خطرناک آن مرزهای کل جهان بشری را تاکنون در نوریده است.

اتحادهای کشوری و**منطقه ای و جهانی****بورژوازی توطئه های****علیه طبقه کارگر اند.****طبقه کارگر به اتحاد****طبقات خود مثل نان****شب محتاج است.****بدون این اتحاد و بدون****افق انقلاب کارگری هر****گونه روزنه رهایی و****خوشبخته کوراست!**

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

فصل تعیین حداقل دستمزدها ..

از آن خنده دارتر اینست که "نماینده انجمنهای صنفی کارگران" بعنوان نماینده کارگران ایران در مجلس خوش رقصی مینماید. اما شوخی در کار نیست. سال پس از سال در پس این فستیوال، دستمزد دهها میلیون کارگر و خانواده کارگری رقم خورده است. جلوی صحنه از وزرا و نمایندگان مجلس، از مقامات مذهبی و کارفرمایان، همگی با چشم باز و آگاهی بر نتایج عملی مصوبات خود در این نمایش شرکت دارند. اینها خوب میدانند و حساب آنرا کرده اند که کسری پروتئین و ویتامین چه عواقبی خواهد داشت، چند هزار کودک از پشت میز مدرسه به گدایی در خیابانها پرتاب میشوند، چند هزار خانواده کارگری برای تامین معاش به تن فروشی پناه میبرند. از خونسردی حضرات در حیرت می مانید در حالیکه همزمان با تصویب این دستمزدهای فکسنی مسکن و سرپناه، دارو، بیمه های اجتماعی، مدرسه کودک، هزینه ایاب و ذهاب گرانتر شده و از دسترس همان مزدبگیران دورتر و دورتر میشود. چنین حکومتی نمیتواند جز حکومت اوباشان چیز دیگری باشد. اما همین اوباشان بعنوان مجاهدین و عالمین و پرفسورهای نجات میهن از بحران اقتصادی تاریخی از منظر منجی در مقابل قربانیان خود ظاهر میگرددند.

امروز حکومت سرمایه در ایران دچار بحران عمیق است. بیرون رفتن از این بحران قبل از هر چیز در گرو عقب راندن طبقه کارگر در همه سبکهای اقتصادی و اجتماعی است. این کاری است که جمهوری اسلامی شب و روز به آن مشغول است. سالهاست به طرز مسخره ای تصویر یک "دولت غرق در بحران" و

تصویر یک "دولت ملی نجات از بحران" به خورد مردم زحمتکش در ایران داده میشود. گویا مشکل اینست که کار به کاردان سپرده نمیشود، گویا سیاستهای اقتصادی درست اتخاذ نشده است. سوال اساسی در این میان اینست که بحران کدام طبقه و حل بحران به نفع کدام طبقه؟

جمهوری اسلامی تنها دولتی نیست که معضلات اقتصادی و سیاسی خود را به پای مردم می-نویسد. یک شبه قهرمان از آب در می-آید. از خودمان پرسیم چگونه دولت مبتکر قراردادهای سفید، مبتکر خارج شدن کارگاههای زیر ده نفر از قانون کار، مبتکر قوانین کار مجانی و کارآموزی چرا باید دایه مهربان تر از مادر برای طبقه کارگر از آب در بیایند؟ الان به نسبت ده سال قبل آحاد طبقه کارگر بیشتر کار میکنند، کمتر کسی با یک شغل میتواند گذران کند (تازه اگر شغلی در میان باشد). کار هست، کار را خود ما، اما بمراتب سخت تر ما به مراتب سختگیرانه تر انجام میدهم و از ترس اخراج به دستمزد کمتر رضایت میدهم. اما هنوز باید به این لیست صدها هزار نفر فارغ التحصیل دانشگاهها را اضافه کرد. محروم کردن زنان از کار مستلزم اخراج میلیونها نفر از مراکز تولیدی است. در آن مملکت کار هست اما آنرا به دوش کودکان ما انداخته اند. کار هست، اما آنرا بر بصورت کار خاتگی بر دوش زنان کارگر و به قیمت دستمزدهای بسیار ارزانتر به انجام میرسانند.

واقعیت این است که این حکومت پاسخ بحران را دارد. بهترین و شایسته ترین متخصصان بحران را هم دارد. در متن همین بحران گلیم خود را از آب بیرون می-کشد. هر عضو طبقه کارگر باید بداند اهن و تپ این جماعت زیادی است

و دامنه نفوذ آن از زبان فارسی و چاپ زورکی آن از بودجه دولتی فراتر نمیرود. ادعای تاثیر سیاستهای اقتصادی این جماعت بر تورم و تحرک سرمایه جهانی پوچ و بیبربط است. تمام هنر این حکومت در اینست که طبقه کارگر هر چه ارزانتر و مطیع تری را آماده کرده و تا وقوع دوره رونق بعدی روی نیمکت به انتظار نوبت خود بنشینند. هر چه این انتظار طولانی تر از آب درمیآید حضرات حکومتی نسبت به سرمایه جهانی مودب تر، با نزاکت و مبادی آداب ظاهر میگرددند و در مقابل طبقه کارگر به همان درجه زبانشان درازتر است. در نیویورک با زبان انگلیسی از بی حقوقی طبقه کارگر در مراکز ویژه اقتصادی آب در دهان سرمایه میاندازند، همزمان در تهران از کاردانی خود به زبان فارسی بساط تملق متقابل بر پا میدارند.

تشریفات تعیین سالانه دستمزدها فستیوال پیروزی اینهاست. این مراسم رذیلاانه است. جنایتکارانه است. مملو از تبهکاری است و هر سال که میگذرد، مراسم شان جدی تر میشود. اما این تشریفات واقعی، ضروری و اجتناب ناپذیر است. واقعی است چرا که یکسال دیگر را پشت سر گذرانند، از خشم مردم جان سالم بدر بردند، زندانهایشان پا برجاست، دانشگاهها و دستگاه تلویزیون رسمی شان از خشم دانشجویان و مردم در آتش نسوخته است، مردم درب وزارت کار را به گل نگرفته اند. این تشریفات ضروری است چرا که باید همه ابواب جمعی در مقابل قربانیان خود متحدانه ظاهر بشوند و با خونسردی دستاوردهای خود را به رخ بکشند. بورژوازی هرگز جز با زور مبارزه متحدانه کارگران حاضر به واگذاری بخش ناچیزی از سود حاصله از کار خود

کارگران نبوده است. بحران، زمان انتقام جویی و بازپس گیری دستاوردهای طبقه کارگر است. مراسم تعیین دستمزدها محل بسیج اجتناب ناپذیر همه فرومایگی و پستی نهفته در منطق سود و سرمایه است. یکی پس از دیگری رو به جامعه در مقابل اربابان خود سوگند وفاداری ادا میکنند و به هم دلدادگی میدهند.

نمایش فصل تعیین دستمزد این حضرات آنقدر از اعتبار برخوردار است که کارگران چند مرکز تولیدی متحد شوند و پرچم اتحاد خود را برافرازند. کارگران شرکت واحد جلو افتادند و نباید تنها بمانند.

کمونیسم و

سوسیالیسم، ایدئولوژی

آسمان و وحه هیچ

خداوندی نیست.

کمونیسم، جنبش

اجتماعی طبقه کارگر

برای برابری ورهایه

انسان

از همه قید و

زنجیرهای نظام

سرمایه داری است!

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!